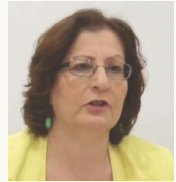


برای پیروزی آماده شویم

پیام آذر مدرسی (دبیر کمیته مرکزی حزب)

مردم آزادیخواه ایران!



یکسال از خیزش عظیم شما علیه حکومت ضد زن و قوانین ارتجاعی آن، علیه فقر و استبداد میگذرد. سال گذشته در چنین روزهایی سرتاسر ایران در آتش خشم و نفرت شما از جمهوری اسلامی می سوخت و همزمان عطش پایان ناپذیر شما برای آزادی، برابری، جهان را مات و مبهوت خود کرد و پیکر نحیف ارتجاع را نحیف تر کرده و زمین را زیر پایش به لرزه در آورد. صدای انقلاب تان را همگان از تهران تا واشنگتن و لندن و برلین و مسکو شنیدند. ارتجاع برای سرکوب یا به بیراهه بردن آن به تکاپو افتاد و مردم متمدن و آزادیخواه جهان در برابر جسارت، اتحاد، قدرت و عظمت تان سر تعظیم فرود آوردند و در کنار شما خیابانها را در سرتاسر جهان به تسخیر در آوردند و همصدا با شما فریاد زدند: «زن، زندگی، آزادی!»

تصاویر زنان و دخترانی که حجاب را می سوزانند، دانشجویانی که پیام آور خلاصی از قوانین ضد زن و آپارتاید جنسی بودند، مردمی که سر سوزنی از «آزادی و برابری» کوتاه نمی آمدند، یکبار دیگر امید آینده ای آزاد را در دل مردم در خاورمیانه و بخصوص زنان در کشورهای اسلام زده ای چون عربستان، عراق، افغانستان، لبنان، مصر و ... زنده کرد.

یکسال گذشته علیرغم هیاهوی حکومت نه از «آرامش» خبری بود و نه از «کنترل اوضاع» توسط اوباش اسلامی! برعکس زنان و جوانان قانون آزادی از قید و بند ارتجاعی و ضد زن، از لغو حجاب تا آپارتاید جنسی و شادی را که خیزش مهسا صادر کرده بود، به اجرا در آوردند. یکسال گذشته دنیا شاهد اعمال اراده و قدرت شما در برابر حکومتی بود که قدرت حکومت کردن را از دست داده است. یکسال گذشته جهان شاهد ادامه خیزش ما در دانشگاهها، کارخانه ها، مراکز کار و تولید و جنگ بر سر حفظ دستاوردها و همزمان رفاه و آزادی بود.

سال گذشته قدرت و اتحاد ما به پوئه آزمایش گذاشته شد. دشمنان ما، چه در درون و چه در بیرون حاکمیت، با ترفندها و توطئه ها علیه قدرت و عزم مان، علیه اتحاد و همبستگی مان به میدان آمدند. با کشتن و اعدام و جیوانانه سر به نیست کردن تعداد زیادی از عزیزترین دختران و پسران مبارز جامعه، با حمله شیمیایی به مدارس در مقابل با دانش آموزانی که قدرت شان در مدارس را به چالش کشیده بودند، با نابینا کردن تعداد زیادی توسط گلوله های ساچمه ای و هدف قرار دادن چشمان جوانان، با فرستادن اوباش خود به جنگ نوجوانانی که در مقابل شان محکم ایستاده بودند، با اخراج و احضار معلمان و دانشجویان و کارگران و دستگیری فعالین و فشار به زندانیان سیاسی، و با هرآنچه که در توان باقی مانده شان داشتند، به جنگ ما آمدند!

به جنگ ما آمدند، اما ... صفحه ۲

مصوب پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب

قطعنامه در باره:

جنبش انقلابی برای سرنگونی و ملزومات پیروزی آن

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب

حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲

مصوب پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب

قطعنامه در باره:

تحولات اخیر و کمونیستها در کردستان

شما حق ندارید!

کدام «احزاب سیاسی»!

(در حاشیه فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان)



خالد حاج محمدی

اخیرا فراخوان مشترکی به نام «فراخوان احزاب و نیروهای سیاسی شرق کردستان» (منظور کردستان ایران است) خطاب به مردم کردستان برای اعتصاب عمومی در روز ۲۵ شهریور به زبان کردی منتشر شده است. بر اساس این بیانیه «احزاب سیاسی کردستان» ایران بعد از چند بار دیدار و مشورت، بیانیه ای مشترک، که فراخوان مورد اشاره است، را منتشر کرده اند. امضا کنندگان این بیانیه علاوه بر حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) که منظور جریان تحت رهبری ابراهیم علیزاده است، شامل پژاک، «سازمان خبات کردستان ایران»، «حزب آزادی کردستان (پاک)» و «کومه له زحمتکشان کردستان» است.

بحث من بر سر فراخوان اعتصاب عمومی و چرایی آن در این شرایط نیست. بحث من حتی بر سر چگونگی و نوع فعالیت مشترک کومه له ابراهیم علیزاده و حزب دمکرات و هر نیروی سیاسی دیگری در این نوشته نیست. نکته من چرایی رسمیت دادن به هر گروه و فرقه قوم پرست و فالانژ و بی اعتبار، توسط حزب دمکرات و کومه له ابراهیم علیزاده، به نام احزاب سیاسی در کردستان است. جریانات متحد حزب دمکرات و کومه له بر اساس هیچ معیاری یک جریان سیاسی، سازمان یا حزب سیاسی (مستقل از اهمیت چپ یا راست آنها) نیست. این اولین بار نیست که این دو جریان، بنا به نیاز روز خود، انواع گروه قومی، ضد اجتماعی، غیر مسئول و باند سیاهی را به عنوان حزب سیاسی برسمیت می شناسند و تلاش میکنند آنها را حتی در قامت نمایندگی مردم در کردستان به مردم بفروشند. ... صفحه ۵

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی):

هشدار جامعه در مورد زندانیان سیاسی

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی):

جای امنی برایتان نمانده است!

آزادی برابری حکومت کارگری

اطلاعیه پایانی پانوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

پانوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی در روزهای ۱۸ و ۱۹ شهریور ۱۴۰۲ (۹ و ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۳) برگزار شد.

دستورات پانوم عبارت بودند از:

- گزارش
- اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما
- کردستان و وظایف ما
- برگزاری کنگره آتی حزب
- قرار و قطعنامه ها
- انتخابات

پانوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم شروع به کار کرد.

ابتدا پیام تعدادی از کادرهای حزب در ایران به پانوم قرائت شد. در این پیام رفقا با اشاره به حساسیت اوضاع به فعالیتهای این دوره حزب و بخصوص کار و تلاش و نقش مهم کمونیستها در ایران پرداخته بودند. رفقا همزمان بر توقعات مهم جامعه و کمونیستها را از حزب حکمتیست (خط رسمی) تاکید و بعلاوه بر ویژگی های دوره کنونی، شرایط جدید و اهمیت دخالتگری گسترده تر حزب تاکید کرده بودند.

گزارش کار حزب در فاصله دو پانوم توسط دبیر کمیته رهبری به پانوم ارائه شد. لازم به ذکر است که گزارش تشکیلاتهای مختلف حزب از قبل آماده و در اختیار کمیته مرکزی قرار گرفته بود. خالد حاج محمدی در گزارش کمیته رهبری به فعالیتهای این حزب در اوضاع پرتحول این دوره، به سیاست حزب و جدالهای مهم این دوره، تاکتیک و پروژهای اصلی حزب و فعالیت تشکیلاتهای مختلف و به علاوه به نقش حزب در این تحولات روی زمین واقعی و به موقعیتی که کمونیستها و مشخصا حزب پیدا کرده است، پرداخت. بدنبال اعضا کمیته مرکزی ضمن تائید گزارش کمیته رهبری به سیر تحولات کنونی و نقش و جایگاه ما و فعالیت و سیاستهای حزب و تشکیلاتهای مختلف به علاوه به کمبودها

و کاستی این دوره پرداختند. در ادامه این دستور آذر مدرسی به عنوان دبیر کمیته مرکزی نیز گزارش و ارزیابی خود از کارکرد این دوره حزب تقدیم پانوم کرد. پانوم کمیته مرکزی بر سنگرهایی که در این دوره کمونیستها فتح کرده اند و به پیشروی ها و موفقیتهای حزب و اهمیت تعمیم و گسترش آن تاکید و از رهبری آتی درخواست کردند که بطور نقشه مند و روشن باید مسیر آتی و پروژهای معین را تعریف و بطور جدی دنبال کرد.

دستور بعدی پانوم، «اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما» بود که توسط امان کفا ارائه شد. در این بحث امان کفا و در ادامه اعضا پانوم به موقعیت کنونی جنبش آزادیخواهان این دوره، دستاوردهای نا کنونی و سنگرهای فتح شده و توازن قوا جدید میان بورژوازی ایران و مردم آزادیخواه و بعلاوه به جدالهای این دوره و جایگاه و نقش جنبشهای سیاسی و جدالهای ما و اپوزیسیون راست پرداخت. اعضا پانوم همه جانبه به روند تحولات و چشم انداز آتی آن و چگونگی پیشروی طبقه کارگر و کمونیستها در دل این تحولات و نقشه آتی کار حزب پرداختند.

بدنبال مبحث کردستان و کار ما توسط خالد حاج محمدی تقدیم پانوم شد. در این بحث خالد حاج محمدی و اعضا کمیته مرکزی به وضعیت کنونی کردستان، سیاستهای جمهوری اسلامی و مقابله جدی ما و جامعه در مقابل آن، پیشروی های جنبش سراسری و تبدیل کردستان به یک سنگر مهم آن، جدال کمونیسم و ناسیونالیسم در دل جنبش اعتراضی و نقش حزب پرداختند.

در دستور برگزاری کنگره، پانوم کمیته مرکزی بعد از مشورت لازم زمان کنگره آتی را تعیین و اقدامات عملی در این زمینه را در دستور کمیته رهبری منتخب خود گذاشت.

در بخش قرار و قطعنامه ها، پانوم دو قطعنامه «جنبش انقلابی برای سرنگونی و ملزومات پیروزی آن» و «تحولات اخیر و کمونیستها در کردستان» را بعد از بحث و بررسی لازم به تصویب رساند.

در دستور انتخابات ابتدا آذر مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی در پست خود ابقاء شد. سپس رفقا امان کفا، آسو فتوحی، آسو سهامی، خالد حاج محمدی، فواد عبداللهی، محمد فتاحی و محمد راستی را بعنوان کمیته رهبری انتخاب شدند. کمیته رهبری در اولین جلسه خود رفیق خالد حاج محمدی را به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته رهبری انتخاب کردند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳

برای پیروزی آماده شویم...

نه تنها موفق نشدند جنبش مان را به تسلیم و رضایت دادن به حاکمیت نکبت بار اسلامی بکشانند، که ناچار به عقب نشینی شدند و تعیین مقررات پوشالی برای حفظ حجاب، حفظ قدرت و در دفاع از ارزشهای کثیف و ضدزن اسلامی شدند که جامعه بی ارزش شان کرده بود! مقررات پوشالی که نه در جامعه و محل های کار و زندگی امکان تحمیل کردن آنها دارد و نه حتی در زندان ها و توسط اسرا و گروهانهای «که» کت بسته» در اختیارشان است!

در کنار حاکمیتی نا امید از جدال رو در رو با یک جامعه بپاخاسته همبسته و متحد، شکست خورده از جنگ مستقیم و رودرو با نسلی از جوانان و نوجوانان انقلابی که برای جنگ آخر به میدان آمده بود، ارتجاع غیر حکومتی تلاش کرد به نام ملت و مذهب و قوم و ... صف متحد مان را متفرق کند، تلاش کرد خواسته با دامن زدن به «عرق ملی» ما را در مقابل هم قرار دهد. تلاش کرد خواسته های رادیکال و ماگزیمالیستی ما را برای بدست گرفتن سرنوشت خود محدود و مینیمالیستی کند. تلاش کرد نام پرچم مان را بدزدد و به جای «آزادی زن»، مهر «مرد و میهن» را بر آن بکوبد، تلاشهایی که یکی پس از دیگری شکست خوردند! در مقابل همه این توطئه ها ما متحدانه فریاد زدیم «از سندنچ تا تهران ستم علیه زنان»، «آزادی، برابری» و...!

امروز هم صف دشمن شکست خورده تلاش میکند به ما بقبولاند که این ما و جنبش ما است که شکست خورده است! تا بلکه بتوانند به این طریق شکست مان بدهند! میگویند متحد نیستیم تا اتحادمان را نشان بگیرند! میگویند دستاوردی نداشتیم تا باز پس گیری دستاوردهای مان را تسهیل کنند. میگویند توده ای بی شکل، بی سازمان و فاقد سخنگویان واقعی و روی زمین هستیم تا سازمان، نمایندگان و سخنگویان مان را زمین بزنند و معامله با ارتجاع در اپوزیسیون را به نام سازش و معامله با نماینده ما به جهانیان بفروشند.

در سالگرد «خیزش مهسا» با گرامیداشت یاد عزیز همه قربانیان مان که جای خالی شان امسال در صفوف ما احساس میشود و با در آغوش گرفتن خانواده ها

و بازماندگانمان، با گرامیداشت تلاش آسیب دیدگانمان، باید به دستاوردهای مان علیه حاکمیت، به اتحادمان، به هوشیاری مان در به شکست کشاندن دستگاه سرکوب و خنثی کردن همه توطئه های دشمنان خود که از مقابله با ما عاجز شده اند، نگاهی بیندازیم! پیشروی هایمان را مرور کنیم! بی قدرتی دشمن را خاطر نشان کنیم! قدرت و آزادی های کسب کرده مان در زندان ها و خارج از زندانها، در کارخانه ها و محل های کار و مدارس و کوچه و خیابانها، اندازه بگیریم! قرارمان را در سنگر بعدی جدال و تامین رفاه همگانی، بخصوص محروم ترین بخش های جامعه، بگذاریم. دستاوردهایمان را سکوی پرش جدالهای آتی خود برای آزادی، برابری و رفاه قرار دهیم و برای پیروزی آماده شویم! بیاد بیاوریم که قدرت آنها متعلق به گذشته و رفتنی است و قدرت ما در ساختن آینده ای است که بدستان خودمان برای آزادی و رفاه همگان ممکن میشود!

زنده باد آزادی و برابری



قطعنامه درباره:

جنبش انقلابی برای سرنگونی و ملزومات پیروزی آن

۴- حضور فعال نیروهای راست و بورژوازی در خیزش ۱۴۰۱ و تلاش سازمان یافته و گسترده آنان برای زدن مهر ارتجاعی و ضد انقلابی خود بر آن، یکبار دیگر مخاطرات جدی این نیروها در سیر سرنگونی، از دامن زدن به تفرقه و انشقاق در صفوف متحد مردم به نام قوم، ملت، مذهب و .. تا علم کردن شعارهای فاشیستی «یک ملت، یک پرچم، یک رهبر» و «حفظ تمامیت ارضی»، و ضرورت مقابله جدی با آنان برای به پیروزی رسیدن انقلاب آزادیخواهانه مردم در ایران را در دستور جامعه و مردم آزادیخواه قرار داد.

۵- خیزش انقلابی ۱۴۰۱ همزمان نشان داد که سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب آزادیخواهانه مردم در ایران بیش از هرچیز بستگی به آمادگی طبقه کارگر و در راس آن به آمادگی کمونیستها و ایفای نقش تاریخی آنان در متحد کردن اکثریت جامعه حول یک افق و پرچم رادیکال و آزادیخواهانه، دارد. خیزشهای ۹۶، ۹۷ و ۱۴۰۱ نشان دادند که بدون یک کمونیسم متشکل و متحزب، کمونیسمی که منشاء اتحاد و قدرت است، کمونیسمی که تا امروز در مقابل هر نیروی ارتجاعی، در پوزیسیون یا اپوزیسیون، پرچم رادیکال و انقلابی را برافراشته نگاه داشته است، پیروزی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ممکن نیست.

از اینرو پیروزی مردم علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی آن میتواند حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای و تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

۶- پلنوم حضور جدی و موثر حزب در مبارزه برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی، همزمان دفاع فعالانه از سنگرهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فتح شده توسط مردم و مقابله با سیاستهای جمهوری اسلامی، برای عقب راندن جنبش آزادیخواهانه مردم ایران برای رفاه و آزادی و آزادی زن، را کماکان در دستور حزب و تشکیلاتهای آن در ایران و خارج کشور قرار میدهد.

۷- پلنوم بر تقابل جدی و همه جانبه در مقابل نیروهای راست و بورژوازی و سیاستهای ارتجاعی و ضدانقلابی آنان از جمله دامن زدن به تفرقه و شکاف در صفوف متحد و همبسته مردم، تقسیم جامعه به اقوام و مذاهب، علم کردن شعارهای فاشیستی نیروهای ناسیونالیست و مخاطرات آنان علیه جنبش انقلابی برای سرنگونی و انقلاب را کماکان در دستور حزب قرار میدهد.

۸- پلنوم بر تلاش سازمان یافته و همه جانبه حزب در توده ای کردن «کنگره سراسری شوراهای مردمی» بعنوان مطلوب ترین و رادیکالترین آلترناتیو حکومتی و تنها راه تضمین سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و پیروزی طبقه کارگر و افشار محروم جامعه و تضمین جامعه ای آزاد، امن و مرفه در فردای سرنگونی، تاکید میکند.

۹- پلنوم با علم به موقعیت و نفوذ اجتماعی کمونیسم و سمپاتی گسترده اجتماعی به آن در ایران، بر بهبود موقعیت این کمونیسم و بخش متحزب آن حزب حکمتیست (خط رسمی) در تقابلهای اجتماعی و سیاسی آتی تاکید جدی دارد و از رهبری آتی حزب میخواهد اقدامات سریع و همه جانبه ای را در دستور خود و کمیته مرکزی حزب قرار دهد.

۱۰- پلنوم همه فعالین، اعضا و کادرهای حزب و همه کمونیستهای طبقه کارگر را به ایفای نقش جدی در این دوره، به شرکت در این فعالیتها و به تلاش مشترک در این دوره حساس فرامیخواند.

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۳

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل

حزبی شماست.

حزب را از آن خود کنید!

۱- عروج مجدد جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی در شهریور ماه ۱۴۰۱، سیمای سیاسی ایران را در همه ابعاد آن تغییر داد. جنبشی ماگزیمالیست، ضد استبدادی و ضد مذهبی که با خواست آزادی زن، رفاه عمومی، آزادی های سیاسی، عدالت و برابری، خلاصی فرهنگی و اجتماعی از مذهب، جمهوری اسلامی را به مصاف طلبید و خواهان سرنگونی آن شد. جنبشی که به سرعت توازن قوا میان طبقه کارگر و افشار محروم با حاکمیت را به نفع پایین تغییر داد و دروازه انقلاب سوم را به روی جامعه گشود.

خیزش اجتماعی و توده ای شهریور ۱۴۰۱ یکبار دیگر نه فقط خواست بی اما و اگر آزادی، رفاه و برابری، که پتانسیل عظیم و رادیکال مردم ایران برای رقم زدن سرنوشت خود و کسب قدرت از پایین را نشان داد و آنرا در مقابل جهانیان قرار داد. یک بار دیگر توجه جهانیان به جامعه ای جلب شد که به فقر و استبداد و حکومت اسلامی تن نمی دهند و یکدم از جدال برای رهایی و آزادی خود باز نمی ایستند!

۲- این جنبش حکم شکست قطعی و نهایی سیاسی-ایدئولوژیک، روانی و اخلاقی جمهوری اسلامی و شکست سیاست سرکوب و ارباب را صادر کرده و ناتوانی حکومت را در سرکوب جامعه هشتاد میلیونی، که پرچم آزادی و رهایی زن و بازگرداندن حرمت به انسان را برافراشته اند، اثبات کرد.

این زمین لرزه سیاسی نه فقط یک حکومت ناتوان، شکست خورده از مردم و مستاصل از تقابل با آنان، که جامعه ای با مردمی متحدتر، قدرتمندتر، با اعتماد به نفس تر، خودآگاه تر، هوشیارتر و مصمم تر و ... را به جای گذاشت. تغییرات اساسی و بنیادی در توازن قوای بین مردم و حاکمیت به نفع مردم، سیمای سیاسی-اجتماعی امروز ایران را تشکیل می دهد.

امروز دیگر هیچ قدرت ارتجاعی نمیتواند به سادگی و بدون یک مقاومت عظیم توده ای و در راس آن طبقه کارگر، زنان و نسل جوانی که از آزادی پوشش و لغو عملی حجاب و آپارتاید جنسی تا فلج تر کردن ماشین سرکوب، از حق تجمع تا آزادی های سیاسی و... را به قدرت خود بدست آورده اند، به جنگ این تغییرات بنیادی برود. مردم امروز در تدارک فتح سنگرهای جدیدی در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی اند!

۳- در دل این جنبش و در بطن جدال برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، کشمکش جنبشهای سیاسی و احزاب و نیروهای آن بر سر آینده سیاسی جامعه ایران و آلترناتیو جمهوری اسلامی در جریان بود.

جنبش انقلابی جاری نه فقط موقعیت حاکمیت و رابطه دولت و مردم را تغییر داده، بلکه خود محکی برای سنجش سیاست احزاب و نیروهای سیاسی بود. این جنبش موقعیت جنبشهای سیاسی و نیروها و احزاب آنها، رابطه آنها با مردم، بویژه طبقه کارگر و زنان و نسل جوان، ظرفیتهای رادیکال و انسانی یا ارتجاعی و مخرب آنان را روشن تر از همیشه نشان داد. همزمان مهر خود را بر موقعیت احزاب و نیروهای سیاسی از راست تا چپ (کمونیستها) زد. در ایندوره جنبش سرنگونی پولاریزه تر شده و صفبندی نیروهای سیاسی شفاف تر، فاصله نیروهای بورژوازی و سوسیالیستها و کمونیستها و تقابل راست بورژوازی، برای به شکست کشاندن، و کمونیستها، به پیروزی رساندن آن، علنی تر و اجتماعی تر از همیشه شد.

جنبش انقلابی جاری نشان داد که جدال بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی همزمان جدالی علیه همه سناریوهای ارتجاعی، از قبیل بازگشت به گذشته، قومی و مذهبی کردن جنبش تا کشاندن آن به زیر پرچم و دخالت دول غربی و مسیر آلترناتیوهای شناخته شده از قبیل رژیم پنج و انقلاب مخملی ... است.

نشان داد که اولاً «انقلاب همه با هم» توهم و توطئه ای بیش نیست و دوماً دستیابی به آزادی، برابری و رفاه بدون مقابله با نیروهای ارتجاعی در اپوزیسیون ممکن نیست!

ایجاد تفرقه چه به نام «منافع مستقل کردها» و چه به نام «دفاع از تمامیت ارضی»، از طرف حاکمیت و اپوزیسیون راست، نه گفت!

قطعه نامه درباره:

تحولات اخیر و کمونیستها در کردستان

نظر به اینکه:

۱- جنبش توده ای که با خواست آزادی زن، آزادی های سیاسی، عدالت و برابری بطور سراسری جمهوری اسلامی را به مصاف طلبید، سیمای سیاسی جامعه کردستان را نیز دچار دگرگونی های جدی و مثبتی کرد. در این دوره زنان، جوانان، کارگران و مردم آزادیخواه در کردستان، علیرغم سنگ اندازی نیروهای ارتجاعی، نقش جدی در جنبش آزادیخواهانه و حفظ همبستگی و اتحاد سراسری و رادیکالیسم آن ایفا کردند.

۲- کردستان که تاریخا یکی از سنگرهای مهم جدال و رودرویی مردم آزادیخواه با جمهوری اسلامی، از مقاومت و مبارزه مسلحانه توده ای در مقابل تعرض ضد انقلاب حاکم به دستاوردهای انقلاب ۵۷ تا مبارزات سیاسی و اجتماعی در همه عرصه ها، با نقش رهبری سیاسی و عملی کمونیستها در آن، بوده است، در ایندوره به حق مورد توجه جدی زنان، جوانان و مردم محروم و همه آزادیخواهان در ابعاد سراسری قرار گرفت. از اینرو است که مردم آزادیخواه در ایران به کردستان به عنوان سنگر مقاومت و مبارزه آزادیخواهانه، رادیکال و سراسری خود نگاه میکنند.

۳- تلاش چهل و چند ساله جمهوری اسلامی در جدا کردن سرنوشت مردم آزادیخواه کردستان از جنبش سراسری، تلاش برای ایجاد شکاف قومی و مهر محلی و تجزیه طلبی زدن به مبارزات آزادیخواهانه مردم در کردستان، با اتکا به نقشی که کمونیستها در آن ایفا کردند، شکست خورد. در ایندوره نیز توطئه رژیم برای ایجاد تفرقه و میلیتاریزه کردن کردستان در مقابل عزم طبقه کارگر، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه عقب رانده شد.

۴- در دل جنبش سرنگونی و عروج مجدد آن با پرچم آزادیخواهی و حق زن و برابری، جدال ناسیونالیسم کرد و احزاب آن با کمونیستها در این جامعه و در راس آن حزب ما، فضای جامعه کردستان را بیش از پیش پولاریزه و فاصله ها و تفاوتهای دو افق و آلترناتیو ناسیونالیستی با کارگری و کمونیستی بیش از پیش عیان شد. جدال ما کمونیستها و ناسیونالیسم کرد در این دوره با دو سیاست و افق متضاد در دل این جنبش و در دل جامعه، در جریان بود. ما کمونیستها برای تحکیم اتحاد سراسری و تقویت همسرنوشتی و ناسیونالیستهای کرد برای لباس ملی و قومی پوشاندن به اعتراضات در کردستان و جدا کردن سرنوشت این مردم از جنبش سراسری، به شکست ناسیونالیسم کرد و احزابش و پیروزی کمونیستها و تامین همبستگی سراسری محرومان انجامید.

مردم آزادیخواه در کردستان یکبار دیگر با صدای رسای خود به هر سناریوی

۵- امروز پیروزی مردم آزادیخواه در کردستان بیش از هر زمانی به همبستگی و اتحاد سراسری و حفظ يك افق مشترك با پرچم آزادی زن، آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی بستگی دارد. تامین این مهم به ادامه نقش جدی کمونیستها در راس این جنبش، به افزایش دامنه نفوذ توده ای کمونیستها و سازماندهی وسیعتر مردم آزادیخواه، به ادامه دخالتگری جدی تر همه کمونیستها در این جامعه و در راس آن حزب حکمتیست(خط رسمی) بستگی دارد. تامین این امر سکویی جدی و سنگری مهم در تامین ملزومات پیروزی انقلاب کارگری برای طبقه کارگر و کمونیسم در ایران است.

فعالیت حزب در کردستان گوشه ای از نقشه عمومی و سراسری ما در کل ایران و در این مسیر است. بر این اساس پلنوم کمیته مرکزی اعلام میدارد:

الف: مقابله جدی با سیاستهای جمهوری اسلامی از میلیتاریزه کردن کردستان تا تلاش برای ایجاد انشقاق در صفوف طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران امر جدی ما است!

ب: همزمان نقد و مقابله با سیاست و افق و آرمان ناسیونالیسم کرد و تلاش آنها برای رنگ محلی زدن به مبارزات مردم در کردستان، تلاش برای هویت تراشی قومی و لباس محلی پوشاندن بر این مبارزات و جدا کردن آن از جنبش سراسری و لطمه زدن به همبستگی و همسرنوشتی موجود کار ما و همه کمونیستها در کردستان است.

پ: مقابله با تعرض جمهوری اسلامی به اپوزیسیون کرد در کردستان عراق و تحمیل عقب نشینی به آنها، جمع کردن اردوگاههای آنها، بعنوان گامی در پس زدن مبارزات مردم آزادیخواه در کردستان و تحمیل یاس و ناامیدی به آنها، در دستور حزب در کردستان است. حزب ما در راس همه کمونیستها و مردم آزادیخواه در کردستان در مقابل موشدوانی جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی و هر نیرویی که بخواهد از این فرصت در خدمت اهداف ارتجاعی خود بکوشد، خواهد ایستاد. نخواهیم گذاشت شکست و ناکامی سیاستهای احزاب ناسیونالیست کرد، از جانب جمهوری اسلامی به نام شکست مردم کردستان تلقی شود و آوار آن بر سر مردم خراب شود.

ت: کردستان يك سنگر مهم جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران است. تقویت این سنگر، تحکیم اتحاد و سازمانیافتگی کارگران، زنان و نسل جوان در این منطقه، گسترش آن و تعمیق همبستگی سراسری از این کانال روی دوش ما است. پلنوم کمیته مرکزی حزب همه کمونیستها، رهبران کارگری، فعالین برابری طلب در جنبش حق زن و جوانان در کردستان را به پیوستن به این حزب فرامیخواند.

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۳

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

سایت مجموعه آثار منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net>

جای امنی برایتان نمانده است!

(در حاشیه ملیتاریزه کردن شهرهای کردستان)

با نزدیک شدن به سالگرد قتل مهسا امینی و عروج خیزش انقلابی مردم آذربایخو، فضای کردستان بیش از گذشته توسط جمهوری اسلامی ملیتاریزه شده است. طبق اخبار رسیده به دفتر کردستان، موج دستگیری های فله ای، احضار آذربایخوهایان و کمونیستها، تهدید خانواده جان باختگان، در این مدت در بیشتر شهرهای کردستان بخصوص سنندج، کامیاران، مریوان، سقز، بوکان و مهاباد، در جریان بوده است. بر اساس این اخبار، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی از نیروهای ویژه تا سپاه و بسیج و مزدوران اطلاعاتی و... اقدام به ایجاد ایستگاه های بازرسی و گشت زنی با سلاح های نیمه سنگین در محلات و مراکز این شهرها نموده اند.

این اقدامات جبهه جبهه جمهوری اسلامی و شاخ و شانه کشیدن در محلات و خیابانهای این شهرها با ماشین آلات نظامی، ترس و نگرانی از زلزله ای است که یک سال است کل بنیاد جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده است. جنبشی که با پرچم آزادی زن، آزادی و برابری، طبقه کارگر، زنان، جوانان و محرومان را در صف متحد و همبسته در مقابل جمهوری اسلامی قرار داد و بنیادهای آنرا لرزاند و کل ارتجاع را سراسیمه کرد. در این دوره کردستان یکی از سنگرهای جنبش سراسری بود که تلاش جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی را برای جدا کردن سرنوشت این مردم از جنبش سراسری، برای ایزوله کردن مبارزات آذربایخوهایان آنها و لباس محلی و قومی پوشاندن به آنرا به شکست کشاند.

امروز دیگر در سراسر ایران، نه مراکز شهرها، نه محلات و مراکز کارگری، نه دانشگاه و مراکز اداری و حتی زندانهای جمهوری اسلامی هم برای حاکمین امن نمانده است. کردستان برای جمهوری اسلامی همیشه حکم یک میدان جنگ را داشته است. میدان جنگی که به یمن حضور کمونیسمی اجتماعی و قدرتمند، یکی از سنگرهای آذربایخوهایان، دفاع از حق زن و یکی از سنگرهای دفاع از انسانیت و عدالت و برابری بوده است. بی تردید این دوره هم مردم آذربایخو در کردستان، کارگران، زنان و جوانان انقلابی همراه و متحد با محرومان در سراسر ایران، این سنگر را در دفاع از برابری و در دفاع از حق زن و علیه استبداد و ارتجاع حفظ خواهند کرد. همین حقیقت است که ارتجاع حاکم را مجبور کرده است، برای شکست این مردم، برای ایجاد انشقاق در صف متحد آنها به هر ابزاری متوصل شود.

جمهوری اسلامی دیگر آب از سرش گذشته است. زخم کاری خورده است. میدانند با چماق و گله های مسلحش، با گلوله نیروهای نظامی، خبر چینی و زندان هم کاری از پیش نمی برد. می دانند با چنین تلاشهایی فقط بر آتش انزجار و خشم مردم ستمدیده و محروم، بر خشم نسل جوان، زنان و کارگران می دمد، اما راه دیگری برایش باقی نمانده است.

شما حق ندارید...

چرا نیروهای باند سیاسی، کاندسترهای نظامی و ضد تمدن و فرقه های متعصب عقب مانده، البته از نوع کردی آن، هر بار توسط این دو جریان و به عنوان متحد آنها و زیر عنوان پرطمطراق «احزاب سیاسی کردستان» به جامعه عرضه میشوند؟ اینکه کومه و دمکرات با چنین جریاناتی رابطه داشته باشند و با آنها خوش و بش و نشست و برخاست کنند، امری مربوط به این دو جریان و پرنسیپها و بی پرنسیپی ها و فرصت طلبی شان است. اما زمانیکه بعنوان «احزاب اصلی کردستان» و در حقیقت بعنوان نمایندگان خودگمارده مردم کردستان پای کار و فعالیت مشترک با چنین نیروهای مغرب و فاشیستی میروند، آنها را در رده احزاب سیاسی کردستان قرار میدهند و مردم کردستان را به این و آن عمل سیاسی فراخوان میدهند، باید جوابگوی مردم آذربایخوهایان کردستان که به کرات دست رد به سینه این نیروها زده اند، باشند!

این نمایندگان خودگماره مردم کردستان پیش از اینهم باند قوم پرست عبدالله مهدی را، علیرغم پرونده سیاه این شخص در تلاش برای ترور مخالفین سیاسی، در دامن زدن به تحریکات قومی و نژادپرستانه، در ترور مخالفین سیاسی درونی جریان خود و... به نام حزب «جنبش کردستان» لانس کرده اند و آنرا در قامت «حزب سیاسی» به جامعه معرفی کردند. ظاهرا امروز که عبدالله مهدی خرس از پل پریده و وقعی به کومه و حزب دمکرات و «جبهه کردستانی» نمیکند، نیروهای فاشیست دیگری مانند گروه «پاک»، جریانی تماما باند سیاهی و گانگستری ضد تمدن و آماده اجیر شدن توسط هر نیروی ارتجاعی، را به لیست دلبخواهی «احزاب سیاسی کردستان» خود اضافه کرده اند.

حزب دمکرات و کومه له با این عمل خود و ادامه آن تا امروز با اعتبار بخشیدن به این جریانات، بیش از همه چیز بی اعتباری خود، بی پرنسیپی و بی مسئولیتی و پایبند نبودن خود به ابتدایی ترین پرنسیپهای سیاسی را به نمایش میگذارند. رسمیت دادن به گروههای ضد تمدن و غیر مسئول از نوع این

مردم آذربایخوهایان کردستان!
کارگران، زنان، جوانان!

توحش جمهوری اسلامی و ملیتاریزه کردن فضای شهرها و تبدیل آنها به یادگان، دستگیری و زندان و احضار آذربایخوهایان امر جدیدی نیست. آنچه جدید است، عوض شدن توازن قوای جامعه به نفع طبقه کارگر و مردم آذربایخوهایان در سراسر ایران است. آنچه جدید است پیشروی جنبشی است که در همه جا در چندین دهه جدال با جمهوری اسلامی، برای رفاه و آزادی کوشیده است و در دل جنبش اعتراضی این دوره قدم های بزرگی به پیش برداشته و عقب نشینی های مهمی به این حکومت تحمیل کرده است.

شما مردم آزاده، شما کارگران و زنان و جوانان در یک سال گذشته به عنوان بخشی از مردم آذربایخوهایان ایران، شهر به شهر، محله به محله، مراکز کار و دانشگاه و... را با شبکه و جمع فعالین و زنان و دختران انقلاب، به هم وصل کردید، ایستادید، کوتاه نیامدید و پرچم جنبش آذربایخوهایان را به اهتزاز در آوردید. شما نه تنها جمهوری اسلامی که بعلاوه تلاش ارتجاع محلی برای پوشاندن لباس محلی، برای تراشیدن هویت ملی، قومی و مذهبی را در هم شکستید و بر هویت انسانی همه مردم در ایران تاکید کردید و چشم و چراغ صف آذربایخوهایان در ایران شدید.

هنگامی که شما دختران و پسران جوان و متمدن و پیشرو، شما کارگران برابری طلب و شما مردم آزاده در کردستان همصدا و هم سرنوشت با دیگر نقاط ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی دادید، بر خواسته های آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود، استوار ماندید، از جانب همسرنوشتان در ایران حکم چشم و چراغ ایران را گرفتید. تلاش امروز جمهوری اسلامی، تبلیغات مسموم نفاق افکنانه آنها، بیان وحشت این نظام از هوشیاری شما، از اتحاد و سازمانیافتگی شما و از برابری طلبی شما، از سطح تمدن و انسان دوستی شما است.

سالگرد اعتراضات سراسری که با قتل مهسا امینی رقم خورد، سالگرد واقعه ای خاتمه یافته نیست. این مناسبت سالگرد جنبشی انسانی به وسعت ایران است که امروز هم از کارخانه تا محله، از دانشگاه تا میداين شهرها، همه و همه جا را به هم وصل کرده و با پرچم برابری و آزادی زن در جریان است. اکنون هر روز سالگرد مبارزه مشترک ما، سالگرد یاد جانباختگان این جنبش، سالگرد یاد همه زنان و مردانی است که در حاکمیت جمهوری اسلامی، برای جامعه ای برابر، سعادتمند و آزاد جان باخته اند. در این سالگرد قطعاً شما مردم آزاده به هر شکل و شیوه ای که برایتان ممکن باشد، در تجمعات و بر سر مزار مهسا و مهساها، جمع میشوید، برابری و آزادی و آزادی زن را بانگ میزنید و ارتجاع حاکم و همه نیروهای ضد زن، ضد برابری و آزادی را به مصاف می طلبید.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳

جریانات، فراخوان مشترک به مردم کردستان به این و آن عمل سیاسی، دست کم گرفتار شعور مردم آذربایخوهایان کردستان و بی حرمتی به آنان است.

مردم آذربایخوهایان و متمدن کردستان حق دارند به این دو جریان بگویند رشد کنید، از دوره ارباب رعیتی عبور کنید، متمدن شوید، به اراده و شعور ما احترام بگذارید! زنان و جوانان آذربایخوهایان در کردستان حق دارند از شما سوال کنند، از کی باندهای قومی و فاشیستی چون «پاک» و «پژاک» که نه فقط کمترین ربطی به زندگی و مبارزه آنها ندارند، که برعکس در مقابل تمام ارزشها، پرنسیپها و خواسته های آذربایخوهایان آنها ایستاده اند، صلاحیت نام حزب و نیروی سیاسی را به خود گرفته اند؟ حق دارند به شما بگویند دوستی با چنین نیروهای باند سیاهی برای بدنام و بی اعتبار شدن تان کافی نیست که امروز به خود اجازه میدهند عنوان نیروی سیاسی و حزب سیاسی را به آنها بدهید. حق دارند از شما سوال کنند شما به چه حقی چنین نیروهای ضد اجتماعی و مخربی را نماینده آنها قلمداد میکنید؟! مردم کردستان حق دارند بگویند شرم نمیکند از زبان این باندها به ما فراخوان مبارزه میدهند؟

جامعه کردستان تاکنون و در تاریخ چند دهه گذشته به انواع گروههای مرتجع و فالانژ از نوع قومی تا مذهبی، از جریان زرگاری، سلفی، داعش و باند مهدنی و... نه گفته است، از تقابل ما کمونیستها با این نیروها، از افشا و طرد تا خلع سلاح آنها حمایت کرده و در ادامه این تقابل دست رد به سینه آنها زده است. رنگ و لعاب زدن به این جریانات توسط کومه له و حزب دمکرات و معرفی آنها به عنوان احزاب سیاسی، بیان بی پرنسیپی سیاسی این دو جریان، بی اصولی آنها به عنوان دو جریان سیاسی در کردستان است. هم پیمانی کومه له و دمکرات با نیروهای فاشیست و باند سیاهی نشان از عمیق تر شدن فاصله این نیروها از اعتراض آذربایخوهایان و متمدن مردم در کردستان است. مردم آذربایخوهایان کردستان نه فقط دست رد به چنین هم پیمانی هایی میزنند که بعلاوه آنرا به عنوان بی مسئولیتی این دو جریان و عدم پایبندی به اولیه ترین پرنسیپ های مبارزه سیاسی به گردنشان آویزان میکنند.

هشدار جامعه در مورد زندانیان سیاسی

۴- در هر شرایطی تضمین کنید که تمامی مدافعان حقوق بشر در ایران قادر به انجام فعالیت‌های حقوق بشری مشروع خود بدون ترس از پایمال شدن حقوقشان و عاری از هرگونه محدودیت از جمله آزار و اذیت قضایی باشند.»

رسانه‌ها: جعفر ابراهیمی، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، از حدود ۱۷ ماه پیش در آستانه «تجمع اعتراضی یکم اردیبهشت ۱۴۰۱ معلمان و فرهنگیان» بازداشت شده و کماکان در زندان به سر می‌برد.

کامیار فکور، خبرنگار و ترانه‌سر، در ۱۵ آبان ۱۴۰۱ به همراه همسرش «سروناز احمدی» که مترجم و فعال حقوق زنان است، بازداشت شده بود. به گزارش «وبسایت نویسندگان ایران» حکم زندان این هنرمند یک سال پیش بر اساس «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت ملی» از طریق انجام فعالیت‌های هنری، صادر شد.

جدال زندانیان با زندانبانان، اعتصاب غذای اعتراضی زندانیان و وضعیت دو زندانی که به ادعای جامعه رژیم علیه شان توطیه ای چیده است، دهها و دهها نمونه نه تنها مقاومت زندانیان که ادامه جدال شان به نمایندگی از مردم در زندان‌ها، گواه بی قدرتی زندانبانان و نظام شان است. این‌ها تنها گوشه‌هایی از قدرت پوشالی امروز جمهوری اسلامی مخوفی است که تاریخی از ارباب و اعدام و جنایات و توحش دارد! هیولاهایی چون لاجوردی‌ها و حاج رحمانی‌ها و خلخالی‌ها و خمینی‌ها و هادی غفاری‌ها و راه اندازی هالوکاست اسلامی دهه شصت، تاریخی سپری شده و قدرتی پوچ شده و بی اثر شده است.

هراس از یک کلام، یک شعر و سرود و بیت و قصیده ای که این هنرمند و آن معلم معترض و جوان بلندپرواز و بازنشسته متوقع گفته است، «جرایمی» که موجب «تشویش اذهان» جامعه میشود و امنیت نظام را به خطر می‌اندازد، گواه پوشالی بودن قدرتی است که میخواهد خود را بر فراز سر مردم سرپا نگاه دارد. ترس از فریاد مطالبه‌گری کارگرانی که دیگر به فقر و فلاکت و نکبتی که بر سر طبقه شان خراب کرده اند رضایت نمی‌دهند، اعتصاب و اجتماع و اعتراض مدام شان که نرم جامعه شده است و حسابرسی روزانه شان از عملکرد بالایی‌ها، ترس از زنان و دختران شجاعی که چشم در چشم اوباش دیروز «آتش به اختیار» و سابقاً «قدرتمند» و اعلام اینک «دیگر تمام شد روزهایی که از شما می‌ترسیدیم»، همه و همه گواه قدرت پوشالی است که در فرار از مواجهه با گردهمایی‌های مردمی در سالگرد جنبش بزرگ و توده ای آنها، تلاش میکنند نشان دهد که میتواند هنوز بر فراز سر جامعه ای که نمی‌خواهد ش، حکومت کند.

هنوز از «شر» شیخ‌انهای که علنی اعدام کردید و کشتید یا جبهه‌زده دیدید و در خفا کشتید، خلاص نشده‌اید. هر شلاق و ضربه ای که زده‌اید در سراسر ایران پژواکی یافته است که خواب از چشم هایتان ربوده است. از امروز به فردا ماندن تان در قدرت را شکرگذارید!

رفتار جمهوری اسلامی با زندانی سیاسی که گروگان و کت بسته در اختیار او است، نه تنها از چشم جامعه پنهان نیست و موجب «عبرت‌سایرین» نیست که از طرف مردم حسابرسی میشود!

چشم بندها یتان در زندانها‌ها را جامعه کنار زده است! به چه امیدی زندانیان و گروگانهای جنبش مردمی را می‌آزاید!

مردم نگاه و حسابرسی تان میکنند روزهای در خفا دستگیر کردن و زندانی را منزوی نگاه داشتن، گذشت! جامعه دیده بان حقوق شهروندان خود است! نمی‌توانید حکومت کنید! آزار زندانیان، تلاش برای پرونده سازی و توطیه هایتان، نه تنها از چشم مردم در ایران که به همت مبارزات همان مردم، از چشم جهانیان هم پنهان نمی‌ماند. جامعه زندانیان خود را، اسرای خود را، هم میخواهد و هم میتواند آزاد کند! تجربه آن را دارد! از آن تجربه آموخته است! ترس در چشمان تان و ضعف تان، پنهان کردنی نیست.

این جنبش سر بازاریستادان ندارد. ایران به مرکز اعتصاب و اعتراض هر روزه کارگر، بازنشسته، معلم و اعتراض روزانه دختران و پسران جوان برای فردایی آزاد و مرفه و سعادت‌مند تبدیل شده است. این جنبش از مراکز صنعتی تا محلات شهرها و مراکز تحصیلی در دل کشمن و جدال با شما و کل صف ارتجاع، نیروی خود را سازمان میدهد. مردم آزادیخواه ایران برای جنگ نهایی و سرنوشتی کامل بختک جمهوری اسلامی و اعمال حاکمیت خود میکوشد. ما در زندانیان را باز میکنیم و اعمال جنایتکارانه امروزتان علیه اسیران ما تنها تعجیل طبقه کارگر و صف آزادیخواهان برای پایان عمرتان را نتیجه میدهد. ما اسرای خود را از زیر دستان خون آلود شما رها خواهیم کرد.

در آستانه سالگرد خیزش انقلابی، نزدیکی ۲۵ شهریور، وحشت و هراس سرتاپای جمهوری اسلامی ایران را فراگرفته است. موج دستگیری‌ها و احضارها و اخراج‌هایی که براه افتاده است و فشار به زندانیان سیاسی، فعالین و شخصیت‌های شناخته شده مبارزات که بیشتر دستگیر و به گروگان گرفته شده بودند، همه و همه صف آرای و تدارک صف دشمن در حاکمیت در مقابل با این سالگرد است. بیش از قدرت نمایی، این درجه امیدشان است در «به سلامت» گذشتن سالگرد این جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه که با پرچم‌رهایی زن جامعه ایران را دگرگون کرد و پست سرگذشت «به خیر» «این فاز» خطرناک!

ترس شان برطرف نشدنی و عظیم است! اما قدرت مردم از ترس آنها بیشتر است! این را رابطه جامعه با زندان و زندانیان و رابطه زندانیان با زندان بانان، به خوبی نشان میدهد. جامعه دور اسرا و گروگانهای جدال ش با جمهوری اسلامی حلقه زده است! دیده بان سلامت و شرایط اسارت و نقشه‌های دشمن علیه آنها است! آنها را تنها نگذاشته است! مشکل جمهوری اسلامی این شرایط و «درد بی درمان» صف مردمی است که برای جنگ آخر به مصاف ش آمده‌اند.

آخرین سرتیتر خبرها در مورد تعدادی از زندانیان سیاسی، سلامتی آنها و نگرانی جامعه از توطیه علیه آنها، و اعتصاب غذای سیزده زندانی قزل‌حصار، را بخوانید.

«هشدار کانون نویسندگان درباره مخاطره آمیز بودن وضعیت ۱۳ زندانی سیاسی، در پی اعتصاب غذای ۱۳ زندانی سیاسی در ندامت‌گاه قزل‌حصار، کانون نویسندگان ایران بیانیه صادر کرده است. در بیانیه این نهاد که پنج‌شنبه ۱۶ شهریور منتشر شده از قول خانواده این زندانیان وضعیت آنان در زندان قزل‌حصار وخیم گزارش شده و شرایط این ندامت‌گاه هولناک توصیف شده است.

کامیار فکور، احمدرضا حائری، رضا سلمان زاده، جعفر ابراهیمی، لقمان امین پور، سعید ماسوری، افشین بایمانی، سپهر امام‌جمعه، زرتشت احمدی راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری و مسعود رضا ابراهیمی نژاد روز ۱۲ شهریور از زندان اوین به قزل‌حصار منتقل شدند. آنها در اعتراض به این انتقال و محل نگهداری خود در «بنند امن واحد ۳ این زندان» دست به اعتصاب غذا زدند.»

دوپیچه وله: به گزارش خبرگزاری هرانا، ۱۳ زندانی سیاسی زندان قزل‌حصار در اعتصاب به سر می‌برند. کامیار فکور، احمدرضا حائری، رضا سلمان زاده، جعفر ابراهیمی، لقمان امین پور، سعید ماسوری، افشین بایمانی، سپهر امام‌جمعه، زرتشت احمدی راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری و مسعود رضا ابراهیمی نژاد روز ۱۲ شهریور از زندان اوین به قزل‌حصار منتقل شدند. آنها در اعتراض به این انتقال و محل نگهداری خود در «بنند امن واحد ۳ این زندان» دست به اعتصاب غذا زدند.

درخواست «فرانت لاین دیفندرز» از مقامات ایران در خصوص وضعیت وخیم جعفر ابراهیمی و کامیار فکور:

جعفر ابراهیمی و کامیار فکور با اتهامات جدیدی مواجه شدند؛ این در حالی است که وضعیت سلامتی جعفر ابراهیمی در بازداشت وخیم‌تر شده است.

فرانت لاین دیفندرز از مقامات ایران می‌خواهد:

۱- جعفر ابراهیمی و کامیار فکور را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید و محکومیت آن‌ها را لغو کنید، زیرا فرانت لاین دیفندرز معتقد است که آن‌ها صرفاً در نتیجه فعالیت مشروع حقوق بشری، به‌ویژه در حمایت از حقوق معلمان و کارگران در حبس هستند.

۲- اطمینان حاصل شود که نحوه برخورد و رفتار با جعفر ابراهیمی و کامیار فکور در حین بازداشت، مطابق با شرایط مندرج در «اصول حقوقی سازمان ملل برای حمایت از افراد تحت هر نوع بازداشت یا حبس» باشد.

۳- حصول اطمینان از دسترسی فوری جعفر ابراهیمی به مراقبتهای پزشکی مناسب.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena